

# زنان

یادداشت

سرآغاز

سیده نرگس حسینی

دبیرگروه زنان



امروزه مسائل زنان به صدر موضوعات پرتکرار و مهم کشور تبدیل شده است. اتفاقات چند هفته اخیر بروزی از این مسأله بود؛ هر چند که مشخص شد در جریان آخرین مطالبات زنان بیشتر یک جرقه اولیه بود و کلیت جریان مطالبات دیگری دارند، اما همین که مسأله زنان می‌تواند جرقه چنین اتفاقی باشد، به این معناست که مسائل زنان در جامعه ایران، به معنای اخص کلمه پرابلماتیک شده و نیازمند توجه و گشایش فرصت‌هایی جهت گفت و گو است.

جریان‌ها و اتفاقات مختلف می‌آیند و می‌روند اما آنچه قابل توجه است، تلاش برای حل و فصل مسائل و ارائه راهکار برای دغدغه‌هایی است که نمی‌توان و نباید بی‌تفاوت از کنارشان عبور کرد. در چنین شرایطی لازم است به جای پاک کردن صورت مسأله، جریان مطالبات این حوزه از مجراهای مشخص، شنیده شده و در مسیری صحیح حرکت کند تا بتوان این مشکلات را در یک بازه زمانی قابل انتظار برطرف کرد.

ما برای رسیدن به این مهم نیازمند ایجاد فضاهایی جهت گفت و گو و تضارب آرا هستیم تا از دل چنین مباحثاتی در عرصه عمومی صداهای گوناگون را شنیده و با به رسمیت شناختن آن‌ها، به ایده‌هایی از آن خود دست یابیم. در این میان رسانه‌ها هم قدرت و هم فرصت اند که می‌توانند به مثابه ابزاری دوسویه هم موجب انحراف از مسیر شوند و هم این ظرفیت را دارند که نقش مهمی در پیشرفت این مسیر ایفا کنند. از همین رو صفحه زنان روزنامه ایران به عنوان یک رسانه متعدد شروع به کار کرد تا شاید بتواند سهمی در شنیده شدن صداهای مطالبات زنان داشته و میانجی‌گری شکل‌گیری حوزه عمومی در این عرصه باشد.

## پاشنه آشیل مسأله زن امروزی

ناهد سلیمی

عضو هیأت علمی پژوهشکده زن و خانواده



نگاه

زن واقعی در حوادث اخیر، نه آن چنان که پروپاگاندای رسانه ای بدان پرداخت زنی ستیزه جو و فارغ از الزامات اجتماعی و دینی ایران بود نه آن چنان که برخی خواص از آن خشنود بودند دارای شکاف عمیق در مطالبات بدنه اصلی اجتماعی خود بود؛ دوگانه‌ای که هر دو عمیقاً منجر به پرداخت بهای کمتر به زن اجتماعی و اخذ اصالت‌های داده شده به او طی سال‌های اخیر در جهت داشتن صدا در مدیریت جامعه بوده است. بنابراین در شرایط کنونی نیازمند نگاهی به اصل مسأله زن در اجتماع فارغ از کشاکش‌های سیاسی و رسانه ای خواهیم بود. رویکرد لازمی که حتی در شرایط بحران نیز نیازمند مذاقه گروهی از متخصصین در تبیین شرایط ماقبل بحران به عنوان عوامل زمینه‌ای بروز بحران، ادغام حوزه‌های علمی در فرایندهای سیاست‌گذاری و تدوین راه

حل برای فردای پس از بحران است. به این منظور پیش از حل مسأله حجاب، باید یک بار برای همیشه متوجه شد زن امروز با تمام الزامات دینی اش، به دنبال اصالت یافتن و داشتن صدا توأمان با نظر، در فرایندهای راهبری اجتماعی هم به طور کلان و هم به طور ویژه در حوزه مسائل خود بوده است. اما حیثیت نیافتن صدای زن در مطالبه مشارکت اجتماعی در مقابل تبدیل شدن حجاب به تمام حیثیت زن، دوگانه‌ای را خلق کرد که در آن اصل حجاب دینی به عنوان قربانی، دستاویز استفاده و سوءاستفاده‌های سیاسی و گفتنی شد. آسیب‌شناسی این رویکرد و پرهیز از آن در آینده حوزه زنان منجر به شکل‌گیری مطالبات به حق و پیشگیری از فرم دهی‌های مصنوعی به مطالبات غیر ضروری برای زنان و اتلاف ظرفیت‌های این حوزه خواهد شد. در جهت دینی دیدن حوزه کنشگری زنان قبل از دینی کردن تصویر زن در جامعه، باید توجه داشت مطالبه‌گری و حق خواهی در ازای پایبندی به الزامات اجتماعی ریشه در تربیت و

فرهنگ اسلامی دارد و دقیقاً به همین دلیل نباید از تناسب زن مفید با زن محجبه در بستر جامعه اسلامی غافل شویم. زنی که دیده می‌شود الزامات اجتماعی را نیز قبول می‌کند. حتی امر جنسی در ساخت زنانگی و مردانگی در پرتو مشارکت مفید اجتماعی قابلیت کنترل بیشتری خواهد داشت؛ چراکه ابزارهایی مانند حجاب و عفاف در این مسیر پذیرش بالاتری خواهند یافت. بنابراین دینی دیدن بسترها و الزامات مشارکت فعال زنان در عرصه‌های راهبری اجتماع و منتفع شدن زنان از رویکردهای بسیط اسلامی برای اصالت یافتن در اجتماع چه بسا منجر به دینی شدن شکل حضور او نیز خواهد شد.

اصل مشارکت عمومی زنان با الزامات اسلامی در پرتو غایت‌مندی عمل و مطالبه، اصالت عمل صالح و مصلحت جمعی به مشارکت عمومی او فی نفسه جنبه ای فراجنسیتی می‌دهد. چرا که طبق آیه شریفه سوره نحل آیه ۹۷، عمل صالح زن و مرد ندارد. عمل صالح کاری است که برای خدا و نظام اسلامی انجام می‌گیرد. این آیه می‌رساند که عرض عمل صالح که زن و مرد ندارد گسترده است و خیلی از امور اجتماعی را شامل می‌شود. در این نگاه کنش‌گری زنان در حکومت اسلامی امری مقبول و نیکو بوده و در اسلام جنسیت‌زدایی و عام شده است؛ نکته مهمی که به روح حاکم بر حکمرانی در جهت تعامل با زنان نیز شکل داده و منجر به جنسیت‌زدایی از حوزه ذینفعان عمومی خواهد شد. بنابراین، آن‌چه در منابع اسلامی به عنوان زن اجتماعی به دفاع از آن پرداخته شده نه صرفاً زن در مقام سوزهای جنسیتی بلکه دفاع اسلام از ضعف تاریخی مشارکت‌دهی زنان بوده است. در این صورت مکانیزم‌ها باید در جهت تقویت حضور زنان به دلیل ضعیف واقع شدن آنان در تدبیر امر اجتماعی باشد نه جنسیت آن‌ها. نتیجه این رویکرد و دخالت دادن زنان در حل مسائل درجه یک و اصبیل اجتماعی فارغ از جنسیت در حکمرانی اسلامی، موجب از بین رفتن مطالبات کاذب جنسیتی، افزایش امنیت اجتماعی و

کاهش انحرافات جنسی خواهد بود. در کنار این مهم که اعطای مسؤلیت اجتماعی به بدنه اجتماعی زنان قبل از مطالبه‌گری آن‌ها موجب مدیریت مطالبات می‌شود، الگوهای اسلامی مانند شورا، امر به معروف، تواضع، نصیح، اصلاح و اصل تذکر همه مواردی هستند که در نصوص و الزامات دینی آن‌ها را وظیفه تمام افراد جامعه فارغ از جنسیت دانسته‌اند. حال در این نقطه از تعریف زن اجتماعی در اسلام با الزامات و امکاناتی مواجه هستیم که زن فعال شده در عرصه اجتماع دینی در برابر آن‌ها اقتناع بالاتری خواهد داشت و آن تخصیص عرصه‌ها و مرزهای مشارکت عمومی در کنار لزوم توانمندسازی زن مسلمان در ورود به عرصه‌هاست. حدود عرصه‌ها در این تعریف اعم بر مرزها بوده، به گونه‌ای که بر اساس الزامات جنسیتی و تکلیفی زنان عرصه‌ها عام و مرزها تحدید شده‌اند. عرصه‌های عام مشارکت زنان در نگاه دینی، همچنان تابعی از مختصات غایت‌مندی بوده و صرف هرگونه عمل صالح در



پیش از حل مسأله حجاب، باید یک بار برای همیشه متوجه شد زن امروز با تمام الزامات دینی اش، به دنبال اصالت یافتن و داشتن صدا توأمان با نظر، در فرایندهای راهبری اجتماعی هم به طور کلان و هم به طور ویژه در حوزه مسائل خود بوده است



جریان‌ها و اتفاقات مختلف می‌آیند و قابل توجه است، تلاش برای حل و فصل مسائل و ارائه راهکار برای دغدغه‌هایی است که نمی‌توان و نباید بی‌تفاوت از کنارشان عبور کرد

## مسأله زن ۱۴۰۱

گزارشی از چهارمین قسمت برنامه شیوه

ریحانه منزوی پور

خبرنگار



گزارش

برنامه ی تلویزیونی شیوه، برنامه ای گفت و گو محور که با شیوه ای نوین به مسائل حقوقی و سیاسی می‌پردازد، در چهارمین قسمت خود میزبان فاطمه قاسم پور رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی فریبا علاسوند عضو هیأت علمی پژوهشکده زن و خانواده حوزه علمیه قم در

رابطه با «مسأله زن ۱۴۰۱» است. در ادامه گزارشی از این گفت‌وگو را می‌خوانیم. علاسوند در ابتدای صحبت از جریان تسلط بر داده به عنوان مهم‌ترین مسأله امروزه نام برد و گفت: «ما با حجم زیادی از بازخوردها و واکنش‌ها بعد از قوت‌ناخام امینی مواجه شدیم که اصلاً متناسب با این اتفاق نبود، ما قطعاً قبل از این اتفاق با حوادث بزرگتری مواجه بودیم ولی این چنین واکنش‌هایی را ندیدیم، ما در این جریان افرادی را می‌بینیم که به

پلیسی که تا یک هفته ی پیش فرد قابل احترامی برایشان بوده است، صدمه وارد می‌کنند». فاطمه قاسم پور نیز ضمن عرض خسته نباشید به افرادی که این روزها برای حفظ امنیت می‌جنگند، فراگیر نبودن مسأله زنان را بزرگترین مشکل سیاست‌های امروزه خواند و گفت: «ما در این حوزه دچار فقدان گفت و گو هستیم، باید گفت و گو کنیم تا به اجماع برسیم و بتوانیم آن را اجرا کنیم اما متأسفانه با بی‌توجهی‌های زیادی روبه رو هستیم».

قاسم پور رئیس فراکسیون زنان خانواده مجلس شورای اسلامی افزود: «در این فضاها همیشه دو قطبی‌هایی به وجود می‌آید و همین باعث می‌شود که مسأله اصلی بر زمین بماند. مشکل ما این است که مطالبه‌گری برای زنان نداریم، کسی را نداریم که میانجی‌گری اجتماعی کند، ما حتی مسأله‌ای به اسم اعتراض نداریم و این اتفاق خیلی سریع به اغتشاش تبدیل می‌شود». علاسوند در ادامه ی صحبت‌های قاسم پور به فیلتر کردن فضای

مجازی اشاره کرد و این راه را به عنوان کنترل کردن مردم، اشتباه خواند و گفت: «این شیوه جواب نمی‌دهد و بالاخره افراد راهی را پیدا می‌کنند که بتوانند به رسانه دسترسی داشته باشند». علاسوند عضو هیأت علمی پژوهشکده زنان و خانواده از جایگاه مهم خانواده در تربیت جوانان صحبت کرد و گفت: «اولین داده‌هایی که یک انسان در زندگی اش دریافت می‌کند از خانواده است. در واقع اولین داده‌ها در اختیار خانواده‌هاست.

امروزه باید بدانیم عفاف مسأله مهم‌تری نسبت به حجاب است. این اتفاق زمانی افتاد که خانواده‌ها انتخاب کردند از آموزش این مسائل بگذرند. شایه شعار فمینیستی بدن من انتخاب من که خیلی شنیده می‌شود. ما الان به یک جوان شانزده ساله بگوییم ایران تجزیه می‌شود می‌گوید خب بشود! چه زمانی نگاه جوانان این گونه بوده است؟ باید بگوییم که خانواده‌ها به شدت فردگرا شده‌اند. شاید اشتباه خانواده‌ها این بوده که فکر کردند آموزش و پرورش